



سیلاب خانه‌های روستاییان قوچانی را تخریب کرد

بارش باران شدید و جاری شدن سیلاب در روستای دیزادیز قوچان سبب تخریب صد درصدی بسیاری از خانه‌ها شد.
هادی رجائی‌نیا، فرماندار شهرستان قوچان روز گذشته گفت: از روز پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه بارش های شدید در نقاط مختلف شهرستان سبب بروز خسارت در بخش‌های مختلف به خصوص بخش‌های مسکونی و محوره‌های مواصلاتی شد. وی ادامه داد: ساعت ۱۷ جمعه در روستای دیزادیز بارش تگرگ بسیار شدیدی رخ داد که باعث ایجاد حجم سیلاب بسیار زیادی در داخل روستا شد و خسارت‌هایی را به بخش‌های مختلف وارد کرد به گونه‌ای که تعدادی از منازل مسکونی به‌صورت صددرصد تخریب و به تعدادی از واحدهای مسکونی و خودرو پارک‌ها که شده اهالی خسارت جدی وارد شده‌است. وی گفت: بر اثر وقوع سیل و نفوذ حجم بالای آب در برخی واحدهای دامی، تعدادی از دام‌های روستاییان تلف شده و آب‌راه‌های علوفه برخی از روستاییان نیز از بین رفته‌است. فرماندار شهرستان قوچان بیان‌این نکته که تأسیسات و معابر به علت شدت بالای سیلاب دچار آسیب جدی شده‌اند، گفت: بارش تگرگ به‌قدری شدید بود که با گذشت چندین ساعت از بارش، همچنان تل‌هایی از انباشت تگرگ به ارتفاع بیش از یکمتر را در سطح روستا شاهد بودیم.

سرفت باپلاک‌های تابه‌تا

سه سارق که به خانه‌های محله باغ فیض تهران دستبرد می‌زدند، سوار بر خودروی پراید با پلاک‌های تا به تا بازداشت شدند.
به گزارش جوان سرهنگ سیدفاله نوابی، رئیس کلانتری ۱۴۰ باغ‌فیض توضیح داد: روز گذشته مأموران کلانتری هنگام گشت‌زنی در منطقه باغ‌فیض به یک خودروی پراید که به جز راننده دو مرد جوان سوار آن بودند مظنون شدند. مأموران در بررسی بیشتر متوجه شدند که پلاک‌جلو با پلاک عقب خودرو یکسان نیست، بنابراین به راننده، فرمان‌رانندار دادند. راننده اما بدون توجه به فرمان پلیس با فشار روی گاز گاز از محل دور شد و خودرو وارد بزرگراه همت شده و به مسیرش ادامه داد. مأموران پلیس سرانجام خودرو را در حاشیه بوستان آبشار متوجه راننده را بازداشت کردند، اما دو سرنشین از محل فرار کردند. راننده خودرو گفت که مسافر کش است و به خاطر ترس از محل فرار کرده‌است. او اما در بازجویی‌های فنی به سرفت‌های سریالی از منازل با همدستی دو نفر از دوستانش اعتراف کرد. او گفت: ما برای سرفت از شهرستان به تهران آمده‌ایم. در محله باغ فیض یک پرسه می‌زدیم و به روش تخریب تویی وارد خانه‌ها شده و سرفت می‌کردیم. متهم گفت: ما پلاک دو خودرو را سرفت کردیم و روی خودروی‌مان نصب کردیم اما متوجه نشدیم که پلاک‌ها با هم یکسان نیستند.سرهنگ نوابی، رئیس کلانتری باغ فیض گفت: تحقیقات از متهم برای کشف جرائم بیشتر وی و بازداشت دو همدستش ادامه داد.

مرگ غم‌انگیز دختر بچه ۳ ساله

دختر سه‌ساله‌ای که همراه مادرش به پشت‌بام خانه سه طبقه‌شان رفته‌بود هنگام بازی از نورگیری به پایین سقوط کرد و جان باخت.

به گزارش جوان، ساعت ۹ صبح روز پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه مأموران کلانتری شهرک ولیعصر از مرگ مشکوک دختر سه‌ساله‌ای در یکی از بیمارستان‌های جنوب‌شهر با خبر و راهی محل شدند.

مأموران پلیس در بیمارستان با جسد دختر سه‌ساله‌ای روبه‌رو شدند که مشخص شد هنگام بازی در پشت‌بام از نورگیر ساختمان سه طبقه خانه‌شان به پایین سقوط کرده و جان باخته‌است.

مادر این کودک در حالی که گریه می‌کرد در توضیح ماجرا گفت: مدت زیادی است که به خاطر بیماری کرونا دختر سه‌ساله و پسر شش‌ساله‌ام را برای بازی بیرون نبرده‌بودم. عصر روز پنجشنبه لباس‌هایمان را داخل خانه شستم و تصمیم گرفتم برای خشک کردن به پشت‌بام برم که پسر و دخترم از من خواستند برای بازی به پشت‌بام بیایند. از آنجایی که آنها در خانه خسته شده‌بودند، قبول کردم و آنها را با خودم به پشت‌بام بردم. در حال پهن کردن لباس‌ها روی بند بسودم که ناگهان صدای هولناکی به گوشم رسید و وقتی نگاه کردم دیدم شیشه‌های نورگیر پشت‌بام شکسته و خترم به داخل خانه خودمان در طبقه همکف سقوط کرده‌است. به سرعت برابلیں سر دخترم که پشت‌پنجهال سقوط کرده‌بود حاضر شدم و با اورژانس تماس گرفتم و او را به بیمارستان رساندیم اما متأسفانه دخترم پس از شش‌روز در بیمارستان فوت کرد. هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد دختر بچه سه‌ساله برای انجام آزمایش‌های لازم به دستور قاضی واحدی به پزشکی قانونی فرستاده شد.

بازداشت عاملان تیراندازی غرب تهران

چهار مرد شورو که با شلیک گلوله در غرب تهران باعث وحشت ساکنان شده بودند یک به یک بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سردار علی ذوالقدری، رئیس پلیس امنیت عمومی پایتخت گفت: ۴فروردین‌ماه‌اساس ساکنان محله جنت‌آباد به مأموران پلیس خبر دادند که عدای از اشرار باهم درگیر شدند و در حال تیراندازی هستند. هم‌زمان با حضور پلیس بود که مشخص شد که اشرار از محل گریخته‌اند.بعد از آن بود که تالار برای شناسایی عاملان حادثه به جریان افتاد و خیلی زود چهار مرد شورو شناسایی شدند. تحقیقات نشان داد که عامل اصلی درگیری از تهران گریخته‌است که مخفیگاه وی در یکی از روستاهای شهرستان ورامین شناسایی شد و متهم صبح روز هشتم اردیبهشت‌ماه دستگیر و در بازرسی از محل قبضه سلاح جنگی و چند قبضه سلاح سرد کشف شد. بعد از آن بود که مخفیگاه دو نفر دیگر از اشرار شناسایی شد و دو متهم بازداشت شدند. در شاخه دیگری از تحقیقات چهار متهم منعم، غروب روز دهم اردیبهشت‌ماه در یکی از شهرستان‌های شمالی کشور دستگیر شد و هر چهار متهم در اختیار مرجع قضایی قرار گرفتند.

پرونده پسر بچه خلخالی که سیزده بدر دو سال قبل به طرز مرموزی ناپدید شده‌بود به دستور رئیس دستگاه قضا در پلیس پایتخت بررسی می‌شود.

به گزارش جوان، عصر روز سیزده بدر سال ۹۶ بود که مأموران پلیس شهرستان خلخال در جریان گمشدن پسر چهارساله‌ای به نام حسین حوالی رودخانه هروچای این شهرستان قرار گرفتند. بررسی‌های مأموران پلیس در محل حادثه نشان داد حسین و خانواده‌اش روز طبیعت از یکی از شهرستان‌های اطراف برای تفریح به کنار رودخانه هروچای این شهرستان آمده‌بودند که ساعتی بعد در حالی که او کنار رودخانه مشغول بازی بوده ناگهان ناپیدمی‌شود.

پس از این مأموران پلیس مطرح شد که حسین به داخل جست‌وجو برای پیدا کردن پسر گمشده پرداختند و ساعتی بعد موفق شدند.مپایی‌های حسین را کنار رودخانه پیدا کنند.

با کشف دمپایی‌های پسر چهارساله این احتمال برای مأموران پلیس مطرح شد که حسین به داخل رودخانه سقوط کرده‌است و بدین ترتیب چند تیم عملیاتی از امداد گران و غواصان هلال‌احمر و تعدادی از ساکنان محل برای یافتن پسر گمشده بسیج شدند، اما یکماه تلاش و جست‌وجوی امدادگران و غواصان در سراسر رودخانه هیچ نشانه‌ای از حسین پیدا نشد که نشان دهد وی در رودخانه سقوط کرده‌است.

در شاخه دیگر از تحقیقات فرضیه آدم‌ربایی برای مأموران پلیس قوت گرفت و این احتمال مطرح شد که آدم‌ربایان برای فریب مأموران پلیس پس از ربودن پسر چهارساله دمپایی‌های او را در بالای رودخانه رها کرده‌اند.

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۳۵

دستور رئیس دستگاه قضا برای بررسی دوباره پرونده پسر بچه خلخال

پس از این تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند. کارآگاهان در نخستین گام گوشی تلفن همراهی را در حوالی رودخانه کشف کردند که بررسی‌ها حکایت از آن داشت صاحب آن پس از گذشت چند ماه درباره گمشدن تلفن همراهش هیچ شکایتی نکرده‌بود.

■ **بازداشت اولین مظنون**

بنابراین مأموران پلیس صاحب گوشی را به عنوان مظنون به آدریابی بازداشت‌وازی تحقیق کردند. وی در بازجویی‌ها مدعی شد که روز حادثه همراه خانواده‌اش برای تفریح به کنار رودخانه آمده و گوشی‌اش را آنجا گم کرده‌است، اما به خاطر مشکلات کاری و مشغله فکری برای گمشدن گوشی‌اش شکایت نکرده‌است. در ادامه متهم پس از بازداشت تکمیلی به اتهام آدم‌ربایی روانه بازداشتگاه شد اما مدتی بعد با گذشتن وثیقه آزاد شد. هم‌زمان با ادامه تحقیقات، پدر حسین دوباره به اداره پلیس رفت و ادعای جدیدی را مطرح کرد.

وی گفت: زمانی که برای تفریح به کنار رودخانه رفته بودیم، در مرد جوان کنار رودخانه پرسه می‌زدند که پس از گمشدن پسرمان ناگهان آنها هم ناپدید شدند و وقتی از اهالی محل درباره آنها پرس‌وجو کردیم آنها گفتند که آن دو مرد آن روز درباره خرید و فروش بچه‌ها هم حرف می‌زدند.احتمال می‌دهیم آنها بچه‌ما را ربوده‌اند و بعد فروخته‌اند.

■ **بازداشت دو متهم دیگر**

با طرح این ادعا مأموران پلیس دومر مظنون را هم بازداشت کردند اما دو متهم در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کردند و مدعی شدند که در گمشدن پسر چهارساله هیچ نقشی نداشته‌اند. آنها گفتند که روز حادثه فقط ساعتی برای تفریح به کنار رودخانه آمده بودند و بعد به خانه‌هایشان بازگشتند. بدین ترتیب



دو متهم نیز با گذشتن وثیقه تا پیدا شدن ردی از پسر گمشده آزاد شدند.

مأموران در تحقیقات میدانی همچنین زن و شوهر جوانی را هم که با گفته اهالی محل مدتی قبل قصد داشتند نوزادی به فرزندخواندگی قبول کنند و فروش بچه‌ها هم حرف می‌زدند.احتمال می‌دهیم آنها بچه‌ما را ربوده‌اند و بعد فروخته‌اند. زوج جوان بی‌گناه هستند و آزاد شدند. در حالی که همچنین تحقیقات برای پیدا کردن پسر چهارساله ادامه داشت، مردی با خانواده حسین تماس گرفت و گفت یکی از دوستانش به نام شاهرخ حسین را ربوده و به مبلغ زیادی به خانواده‌ای که فرزند ندارند فروخته‌است. مأموران شاهرخ و مردی که موضوع را به پلیس خبر داده بود به نام پرویز شناسایی و

بازداشت کردند که تحقیقات نشان داد شاهرخ بی‌گناه است و پرویز به خاطر اختلاف حساب و کینه‌ای که با شاهرخ داشته‌این ادعای دروغ را مطرح کرده‌است که از او انتقام بگیرد.

■ **آغاز تحقیقات از سوی کارآگاهان زنده**

پلیس آگاهی تهران

در حالی که دو سال از حادثه گمشدن پسر چهارساله می‌گذرد و مأموران پلیس شهرستان خلخال هیچ اثری از وی پیدا نکرده‌اند، خانواده حسین به امید پیدا کردن کودک کشتان راهی تهران شدند و از رئیس قوه قضائیه درخواست کردند پرونده گمشدن حسین برای رسیدگی از شهرستان خلخال به تهران منتقل شود و در اختیار کارآگاهان زنده پلیس آگاهی پایتخت قرار گیرد. پس از این درخواست پرونده به دستور آیت‌الله رئیسی از دادسرای شهرستان خلخال به دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. بدین ترتیب پرونده حسین پس از گذشت دو سال از حادثه به دستور قاضی واحدی، بازپرس شعبه

بازدهم دادسرای امور جنایی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره‌بازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. قاضی واحدی به کارآگاهان جنایی دستور داد ضمن تحقیق از خانواده شاکلی و شاهدان حسین که هر کدام ادعا‌هایی را درباره گمشدن حسین مطرح کرده‌اند، از سه مرد بازداشت شده به اتهام آدم‌ربایی که با وثیقه آزاد هستند، تحقیق شود و همچنین سه متهم با خانواده شاکلی مواجهه حضوری داده شوند.

بدین ترتیب با دستور بازپرس جنایی تیمی از کارآگاهان زنده پلیس آگاهی تهران برای پیدا کردن سرخنی از سر نوثت کودک چهارساله وارد عمل شدند.

قاتل: قصد دفاع داشتم

داشت به همین دلیل به من حمله کرد و چاقو کشید. او چند ضربه به شکم زد به همین دلیل برای دفاع از خودم چوبی را که در گوشه پارک افتاده بود برداشتم و با آن یک ضربه به سرش زدم. باور کنید قصد کشتن او نداشتم و در دفاع از خودم مجبور شدم، او را بزخم. اگر این کار را نکرده بودم احتمالاً کشته می‌شدم. در آن درگیری مقتول با چاقو ضربات متعددی به شکم‌زد و این ضربات نیز از سوی پزشکی قانونی تأیید شده‌است. به همین دلیل از اولیای دم درخواست گذشت دارم و از آنها تقاضا دارم حرفم را باور کنند. سپس چند نفر به عنوان شاهد در جایگاه ایستادند و همگی گواهی دادند که کیوان درگیری را شروع کرده و با چاقو به رضا حمله کرده‌است. در پایان هیئت قضایی پس از شور و درخواست متهم به وی مهلت یک هفته‌ای داد تا در این مدت رضایت اولیای دم را جلب کند.

با کامل شدن تحقیقات پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده‌شد و بعد از تعیین شعبه و وقت رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه دهم قرار گرفت. روز گذشته متهم از زندان اعزام و در همان شعبه به ریاست قاضی متین راسخ محاکمه شد. ابتدای جلسه پدر و مادر مقتول در خواست قصاص کردند. در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت: من و کیوان سال‌ها قبل با هم دوست بودیم. قبل از حادثه یکی از دوستانمان تصادف کرد و من و کیوان، او را به بیمارستان رساندیم. در آنجا کیوان سعی داشت تلفن همراه دوستانمان را بردارد که مانع شدم. کیوان همچنان اصرار داشت و من نمی‌دانستم داخل گوشی او چه چیزی است که او برای برداشتن آن اصرار دارد. همین باعث درگیری و اختلاف بین ما شد. متهم ادامه داد: چند روز بعد کیوان را در پارک دیدم. او به خاطر اتفاق آن روز کینه

پسر جوانی که در درگیری با دوستش مرتکب قتل شده‌بود، با ادعای دفاع مشروع از دادگاه مهلت یک هفته‌ای گرفت تا رضایت اولیای دم را جلب کند.

به گزارش جوان، دهم اردیبهشت‌سال ۹۶ کارکنان یکی از بیمارستان‌های تهران مرگ مشکوک پسری جوان را به پلیس خبر دادند. با حضور مأموران در بیمارستان مشخص شد جسد متعلق به پسری ۲۲ساله به نام کیوان است که در جریان درگیری دو سوتش رضا زخمی و بعد از انتقال به بیمارستان جسدش با انتقال جسد به پزشکی قانونی ضارب که خودش نیز به شدت زخمی شده‌بود، مورد تحقیق قرار گرفت. او با اقرار به قتل دوستش در توضیح گفت: کیوان از من کینه داشت به همین دلیل وقتی در پارک همدیگر را دیدیم با چاقو به من حمله کرد. من هم برای دفاع از خودم با چوب به سرش ضربه زدم.

کلاهبرداری با هویت مرد مرده

مردی که با سوءاستفاده از اعتبار مردی مرده از کسبه مولوی کلاهبرداری کرده بود سرانجام بازداشت شد.

به گزارش جوان، دوم آذر سال گذشته شکایت‌های مشابهی علیه یکی از کسبه خیابان مولوی در شعبه دوازدهم بازپرسی دادسرای ناحیه ۱۲ تهران مطرح شد. براساس شکایت‌های مطرح شده مردی به نام حسین مدتی قبل دفتر پخش مواد غذایی به خیابان افشاد. مأموران پلیس در تحقیقات فنی خود موفق شدند هویت متهم را که مردی ۱۱ساله به نام وحید بود مشخص کنند. بررسی سوابق وحید نشان از این داشت که او از مجرمان سابقه‌دار است که بارها به اتهام کلاهبرداری در شهرستان‌های اراک و بابل هم بازداشت شده‌است. وقتی تصویر وحید به شاکیان نشان داده شد، وحید

را به عنوان مرد فریبکار شناسایی کردند. بعد از شناسایی هویت متهم بود که مخفیگاه وی در حوالی بازار شناسایی و متهم چند روز قبل بازداشت شد. وحید در اولین بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: من سه‌سال برای مرد فوت شده که حسین نام داشت کار می‌کردم و در آن مدت توانستم در کار خود مهارت زیادی به دست بیاورم تا اینکه او فوت شد. مدتی قبل بود که تصمیم گرفتم هویت او را جعل کنم و از کسبه کلاهبرداری کنم برای همین دفتر کاری اجاره کردم و با چک‌های سرتی از کسبه کلاهبرداری کردم تا اینکه بازداشت شدم.

سرهنگ کارآگاه عبدالله علی‌زاده، رئیس پایگاه‌هفتم پلیس آگاهی پایتخت گفت: متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرده و در حال حاضر از رزش مالی پرونده ۷۰۰میلیون تومان است. وی گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در پایگاه‌هفتم پلیس آگاهی تهران در جریان است.

سفر به قندهار برادر را در زندان نگه داشت

سفر اولیای دم پرونده به قندها ر سبب شد تا پسر ادر مقتول که از ۱۸سال قبل به اتهام قتل در زندان به سر می‌برد همچنان با سرنوثتی مبهم مواجه باشد. متهم که قبلاً اعلام کرده بود، توان پرداخت دیه را ندارد. حال در خواست قسط‌بندی آن را مطرح کرده‌است که از سوی قضات دادگاه پذیرفته نشد.

به گزارش جوان، اوایل بهار سال ۸۲ مأموران پلیس از درگیری خونین بین دو برادر در بینجوی ورامین باخبر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان داد، یکی از دو برادر که مردی ۳ساله‌ش با ضربات چاقو به قتل رسیده‌است. بنابراین عامل قتل که مردی ۲۸ساله بود و در محل حضور

داشت دستگیر شد. متهم در بازجویی‌ها به قتل اقرار کرد و در شرح ماجرا گفت: لحظاتی قبل وقتی از سر کار به خانه برگشتم دیدم که برادرم با عموم درگیر شده‌او را به شدت تک‌زده‌است. حال عمومم وخیم بود و برادر دنده‌های او را شکسته بود. از این ماجرا عصبانی و با عزیز درگیر شدم. او به من حمله کرد به همین دلیل دست به چاقو شدم و چند ضربه به برادرم زدم. بعد از اعتراف متهم و کامل شدن تحقیقات پرونده در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شد. ابتدای جلسه پنج‌فرزند مقتول و پدر و مادر وی اعلام کردند با دریافت دیه حاضر به گذشت هستند. سپس متهم بار دیگر ماجرا را شرح داد و گفت حاضر به پرداخت دیه است. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه متهم را به پرداخت دیه محکوم کرد. با تأیید حکم در دیوان عالی کشور همسر و فرزندان مقتول که با مشکلات مالی روبه‌رو بودند به دلیل عدم پرداخت دیه از سوی متهم به ناچار ایران را ترک کردند و به قندهار افغانستان رفتند و دیگر نتوانستند پیگیر پرونده شوند.

امیر محمد

به ۴بیمار زندگی بخشید

اعضای بدن پسر بچه ۱۱ساله که به مرگ مغزی مبتلا شده بود به چهار بیمار نیازمند اهدا شد.

به گزارش جوان، چند روز قبل پسر بچه ۱۱ساله که امیر محمد اسماعیل‌پور نام داشت و اهل شهرستان دشتستان بود به دلیل تشنج به یکی از بیمارستان‌های شیراز منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت. تلاش پزشکان برای نجات وی اما ثمری نداشت و او به مرگ مغزی مبتلا شد. پس از آن بود که با رضایت خانواده‌اش کبد، قلب و دو کلیه او به بیماران نیازمند اهدا شد.

جویندگان کار در تله شرکت هر می

۱۳پسر جوان که برای یافتن شغل مناسب از شهرستان راهی تهران شده‌بودند در یک شرکت هر می بازداشت شدند.

به گزارش جوان، ساعت ۱۰ صبح ۱۸ فروردین‌ماه اسفلال مردی به مأموران پلیس تهران خبر داد که پسرش کیارش گم شده‌است. او گفت: من اهل شهرستان سمنان هشتم و پسی ۲۸ساله به نام کیارش دارم. او بیگار بود و مدت‌ها بود که برای یافتن کار به هر جایی سر می‌زد. مدتی قبل به من گفت که یک شرکت کارایی از تهران باو تماس گرفته‌است. بعد از آن بود که کیارش راهی تهران شد. چند روز که گذشت با من تماس گرفت و گفت که برای رهن خانه سه به ۴۵میلیون تومان نیاز دارم. من هم به سختی پول را برایش فراهم کردم و به حسابش ریختم. بعد از واریز شدن پول تماس‌هایش خیلی کم شد و زمانی که با تلفن همراهش تماس می‌گرفتم گوشی او خاموش بود. شاکلی ادامه داد: من و خانواده‌ام به شدت نگران کیارش شدیم تا اینکه پیامک داد که امکان تماس و خارج شدن از خانه را ندارد، برای همین برای پیدا کردن او به تهران آمدم و با پلیس درخواست کمک دارم.

بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور بازپرس یکی از شعب دادسرای ناحیه ۳۱ به تیمی از کارآگاهان اداره ۱۴ پلیس آگاهی تهران سپرده شد. بررسی شکایت نشان از این داشت که پسر جوان در یکی از شرکت‌های هر می گرفتار شده‌است. بعد از آن بود که مأموران پلیس با بررسی تماس‌های کیارش موفق شدند، مخفیگاه شرکت‌هر می کیونت را در غرب تهران شناسایی و ۱۲نفر از اعضای شرکت را که کیارش هم در بین آنها حضور داشت بازداشت کنند.

سرهنگ کاراگاه جهانگیر تقی‌پور، معاون مبارزه با جرائم جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی پایتخت گفت: شرکت کیونت همان شرکت هر می گندگوشیت‌است که با تغییر نام در پوشش استخدام در شرکت‌های دولتی و معتبر جوانان را جذب می‌کند و به بهانه عدم امکان استخدام، اعضای جدید شرکت را مجبور به فعالیت در زمینه بازاربایی می‌کند. گردانندگان این شرکت‌با چند جلسه آموزشی به بهانه خرید در‌های مسافرتی خارجی از افراد مبتلایی بین ۳۰ تا ۵۰میلیون می‌گیرند و اعضا را مجبور به عضوگیری تازه می‌کنند تا زمینه ادامه فعالیت خود را فراهم کنند.

سرهنگ تقی‌پور گفت: تمامی افراد دستگیر شده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند.



کشف عتیقه در زیرزمین خانه

مردی که در شهرستان دزگرد استان گلستان با حفاری در زیرزمین خانه‌ای قدیمی مقدار زیادی عتیقه کشف کرده‌بود، بازداشت شد.

به گزارش جوان، سردار روح‌الامین قاسمی، فرمانده انتظامی استان گلستان گفت: روز گذشته مأموران پلیس شهرستان دزگرد در جریان تحقیقات خود از فعالیت یکی از قاچاقچیان عتیقه با خبر شدند و در این باره تحقیق کردند. مأموران در بررسی‌های بعدی متوجه شدند که متهم در حال حفاری در خانه‌ای قدیمی است که با حضور در محل متهم را در حال حفاری در زیرزمین خانه بوازداشت و در بازرسی از محل چهار عدد طرف سفالی عتیقه کشف کردند. تحقیقات بعدی نشان داد که عتیقه‌های کشف شده مربوط به قرون متأخر اسلامی است.

مرگ مشکوک مرد جوان در اتاق شماره ۵پانسیون

مرد جوانی که سپس از اختلاف با همسرش بسرای زندگی به پانسیونیی رفته‌بود به طرز مشکوکی به کام مرگ رفت.
به گزارش جوان، ساعت ۱۶:۴ عصر روز پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت قاضی واحدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری فلسطین از مرگ مشکوک مرد جوانی در پانسیون‌با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در طبقه‌دوم پانسیون اتاق شماره ۵با جسد مرد جوانی به نام اکبر روبهره رو شدند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌بود.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد اکبر مدتی‌است با همسرش اختلاف دارد و به همین خاطر از یک‌ماه قبل برای زندگی به این پانسیون آمده و این اتاق را همراه مردی دیگری اجاره کرده‌است.

هم اتاقی مرد فوت شده به مأموران پلیس گفت: اکبر یکماه قبل به این پانسیون آمد و هم اتاق من شد. او برای من گفت که با همسرش اختلاف دارد اما همیشه نگران دختر چهارساله‌اش بود. شب حادثه اکبر خیلی ناراحت بود و از جدایی با همسرش با من حرف زد و می‌گفت اگر همسرش با اطلاع دهد، نمی‌تواند برای زندگی دختر چهارساله‌اش را به پانسیون بیاورد و ادامه داد: پس از چند ساعت حرف‌زن هر دو خوابیدیم و صبح وقتی من برای رفتن به محل کارم از خواب بیدار شدم او خواب بود تا اینکه ساعتی قبل به پانسیون برگشتم و دیدم او هنوز خواب‌است. نگران‌ش شدم و به بالینش رفتم که متوجه شدم نفس نمی‌کشد و بلافاصله موضوع را به مأموران پلیس خبر دادم. مأموران پلیس در ادامه هیچ مورد مشکوکی از اتاق پیدا نکردند که نشان دهد وی دست به خودکشی زده باشد. از سوی دیگر خانواده مرد فوت شده از عروس‌شان به اتهام دست داشتن در مرگ اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.